



علم محوری در گام دوم انقلاب اسلامی، دانشگاه به مثابه نهاد تمدن ساز و مولد قدرت نرم اعظم مقدس^۱

چکیده

دانشگاه به عنوان نهاد بنیادین تولید علم، نقشی کلیدی در تحقق تمدن نوین اسلامی دارد. تمدن نوین اسلامی به عنوان هدف انقلاب اسلامی مطرح شده و معطوف به پیشرفتی همه جانبه برای فرد و جامعه، نظام و امت اسلامی، دانش بنیان و دین محور است و کمال و سعادت مادی و معنوی را به صورت همزمان در نظر دارد. هدف این نوشتار، معرفی ویژگی ها و کارکرد دانشگاه تمدن ساز برای دستیابی به این اهداف از مسیر تحلیل محتوا و مضمون بیانات رهبری و تحریرات پژوهشگران حوزه تمدن اسلامی، بوده و با بهره گیری از چارچوب نظری در زمینه قدرت نرم، ظرفیت دانشگاه در این حوزه بررسی شده است. مهمترین ویژگی های دانشگاه تمدن ساز تولید محوری، فن گرایی و مهارت سازی، انسان سازی و معنویت گرایی، ارتباط با صنعت، اخلاق مداری و عدالت محوری، شناخت نیازهای جامعه و پاسخگویی به آن است و از طریق جذب دانشجو، شناسایی گرایش های نوظهور آموزشی، تبادل استادان و پژوهشگران و متخصصان، فعالیت های علمی و پژوهشی مشترک می تواند به نهاد مولد قدرت نرم و افزایش آن تبدیل شود.

واژه های کلیدی:

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، دانشگاه تمدن ساز، دیپلماسی علم، قدرت نرم،

۴۰

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۴۰
بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۷-۲-۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۲۹-۳-۱۴۰۴

صص: ۱۴۳-۱۲۳

شابا چاپی: ۲۳۲۲-۵۵۹۹

رتبه علمی

ب

پژوهشی، صنعت گواهی، در :
JOURNALS.MSRT.IR



مقدمه و بیان مسأله

نظام های سیاسی همواره به شیوه های مختلف درصدد تأمین اهداف و منافع و افزایش قدرت، اعتبار و اقتدار خود بوده و برای دستیابی به این هدف از ابزارهای متفاوتی نیز استفاده کردند. هر کشوری بسته به اقتضائات زمانی حیات خود، ایدئولوژی و آموزه های ارزشی، امکانات و ظرفیت های مادی، انسانی و جغرافیای خود، به تعیین دستورکار و سیاست گذاری داخلی و خارجی می پردازد و در جست و جوی راهبردهایی است که تحقق اهداف ملی و بین المللی آن را تضمین کند جمهوری اسلامی ایران نیز با ورود به دهه پنجم حیات سیاسی خود، در قالب اقداماتی چون طراحی و تدوین برنامه های راهبردی ملی، نقشه های جامع، اسناد بالادستی و به طور خاص صدور بیانیه گام دوم انقلاب و پیوست های مرتبط با آن، به دنبال رصد مهمترین مسائل و اقتضائات پیش روی کشور و ارائه برنامه ها، دستور کار و توصیه های عملیاتی برای پاسخگویی به این مسائل و افزایش قدرت و اعتبار ملی، منطقه ای و فرمانطقه ای خود بوده است. توجه به علم و پژوهش، دانشگاه و فناوری، از محورهای مهم و مورد تاکید در این مسیر به شمار می آید که در ادامه به بررسی آن در متن بیانیه گام دوم و بیانات رهبری انقلاب و نقش آن در تقویت قدرت نرم و اعتبار بین المللی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

مروری بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

در چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب بیانیه گام دوم را صادر کردند. این بیانیه، ضمن مرور دستاوردها و کاستی های چهار دهه گذشته، مسیر آینده جمهوری اسلامی را در حوزه های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی ترسیم می کند و رهنمودهایی برای پیشبرد و تحقق اهداف ایران در حوزه های علم و پژوهش، اخلاق و معنویت، اقتصاد و عدالت، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی ارائه می دهد.

در بخش دوم بیانیه که به سرفصل ها و توصیه های اساسی برای آینده اختصاص دارد، اولین محور و توصیه نخست، مربوط به حوزه علم و پژوهش است؛ در واقع، رهبر انقلاب با بیان اینکه دانش، آشکارترین و سیله عزت و قدرت یک کشور است و دانایی توانایی است (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۷، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)، ضرورت پرداختن به این مهم را بیش از پیش، مورد تاکید قرار داده اند. مساله نوشتار حاضر، بر مبنای این توصیه و تاکیدات گذشته رهبری، شناسایی ظرفیت و نقش دانشگاه و آموزش عالی در مقام نهاد مولد علم و پژوهش و کارگزار تربیت و پرورش نیروی انسانی متخصص برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم و به طور خاص، تمدن سازی نوین اسلامی است. به این منظور، مقاله در دو بخش سازمان یافته و به طرح موضوع می پردازد. در بخش اول دلایل اهمیت علم و پژوهش از منظر رهبری و نقش و کارکرد این نهاد به عنوان ابزار تمدن سازی، و در بخش دوم تاثیر نهاد علم و دانشگاه تمدن ساز در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی بررسی خواهد شد. قبل از آن به پیشینه پژوهشی مرتبط با این موضوع می پردازیم.



پیشینه تحقیق

موضوع تمدن نوین اسلامی، ویژگی‌ها و شاخص‌های آن و ابزارها و فرایندهایی که تحقق آن را امکان‌پذیر می‌کنند، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به‌طور گسترده‌ای در آثار پژوهشی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعه کارویژه‌های نهادهای علمی و تربیتی همچون دانشگاه نیز در این زمینه اهمیت یافته است. در این بخش، پیشینه تحقیق با سه محور اصلی، معرفی می‌شود:

۱. تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در حوزه علم و دانشگاه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سندی راهبردی برای حرکت جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های پیش‌رو است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در آن، علم و پژوهش را به‌عنوان اولین توصیه کلیدی مطرح کرده‌اند. در مقاله «تحلیل و شناخت مبانی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» (سیویلیکا، ۱۴۰۰)، نویسندگان بر ضرورت بازخوانی سرفصل‌های علمی این بیانیه تأکید کرده و علم را به‌عنوان بستر اصلی پیشرفت تمدنی معرفی می‌کنند. این تحلیل نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها در این نقشه راه باید نقش موتور محرک تمدن‌سازی اسلامی را ایفا کنند. همچنین، نجفی رستاقیان و دهقانیان (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌نگاری نهاد علم جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رویکرد سناریونگاری با تأکید بر دلالت‌های تمدنی» به شناسایی فرصت‌های تمدنی نهاد دانشگاه در دهه‌های آینده پرداخته و نقشه‌هایی برای ارتقای نظام علم و فناوری کشور پیشنهاد داده‌اند.

۲. نقش دانشگاه‌ها در تولید قدرت نرم و دیپلماسی علمی

با توجه به ماهیت فراملی علم و آموزش، دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای تولید قدرت نرم و دیپلماسی علمی هستند. در مقاله «تأثیر دیپلماسی علم و فناوری بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (SID)» (۱۳۹۶)، با استناد به نظریه قدرت نرم جوزف نای، نقش علم در تعاملات فرهنگی و تقویت نفوذ بین‌المللی ایران بررسی شده است. همچنین در مقاله «دیپلماسی علمی به‌مثابه قدرت نرم: از تجارب جهانی تا الگوی بومی» (پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۱۴۰۰)، تجربیات جهانی کشورهای پیشرو در استفاده از علم برای گسترش نفوذ نرم تحلیل شده و راهکارهایی برای بومی‌سازی آن در جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شده است. سرخیل (۱۳۹۹) نیز با تمرکز بر نقش نخبگان دانشگاهی، بر ضرورت استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی در جهت تقویت همگرایی فکری جهان اسلام تأکید دارد.

۳. کارویژه‌های آموزش عالی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی

برخی پژوهش‌ها به‌طور خاص به نقش دانشگاه‌ها در تحقق اهداف ایدئولوژیک و تمدنی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.



جوان بخش و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «دانشگاه تمدن ساز اسلامی، چالش ها و راه کارها»، علم، دین، اخلاق و تهذیب را مؤلفه های اساسی دانشگاه اسلامی دانسته و تقویت آگاهی معرفتی در دانشگاه ها را مسیر تحقق تمدن سازی معرفی می کنند. اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش «کارکردهای دانشگاه ها در مراحل تمدن سازی نوین اسلامی» نیز دو وظیفه اصلی دانشگاه را تربیت دانشجوی صالح و انقلابی، و تولید علم و فناوری کارآمد برای حل مسائل راهبردی کشور معرفی کرده اند. در مقاله «نقش قدرت نرم آموزش عالی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی» (سیاست متعالیه، ۱۴۰۲)، به طور دقیق تری بر نقش آموزش عالی در شکل دهی گفتمان انقلاب اسلامی و بازتولید آن در سطح نخبگان فرهنگی و علمی کشور پرداخته شده است. در نهایت، نجفی (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «نظریه تمدن نوین اسلامی از رویکرد فلسفی نظری تا رویکرد تاریخی نظری» تأکید می کند که اگر انقلاب اسلامی نتواند به مرحله تمدن سازی برسد، در مرحله نظام سازی متوقف خواهد شد و در برابر تمدن غربی بدون پشتوانه باقی می ماند.

به طور کلی، آثار موجود یا به معرفی ویژگی های تمدن نوین اسلامی پرداخته اند و یا کارکردهای دانشگاه تمدن ساز را مورد توجه قرار داده اند. اما تمرکز بر نقش علم در بیانات رهبری و تأثیر دانشگاه در تولید قدرت نرم، هنوز به صورت مسئله محور و تحلیلی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله تلاش می کند در تکمیل این مسیر، نقش علم محوری در قدرت سازی تمدنی را بر اساس بیانیه گام دوم تحلیل کند.

چیستی تمدن نوین اسلامی

از نظر رهبری تمدن نوین اسلامی، هدف غایی انقلاب و مظهر پیشرفت همه جانبه آن است (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). دستیابی به این هدف مستلزم عبور از پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی است. در حقیقت رخداد انقلاب اسلامی و پیروزی آن، فرصتی استثنایی برای ملت ایران و امت اسلامی بود تا زمینه های لازم برای تشکیل تمدن نوین اسلامی فراهم شود. از این منظر، پیشرفت خطی تکاملی، آنچنان که در تعاریف کلاسیک تمدن وجود دارد و بر اساس آن بشر هر چه جلوتر آمده، متمدن تر و کامل تر شده است، ناقص بوده و پذیرفتنی نیست، تکنولوژی هست اما رشد انسانی همراه آن نبوده، بشر در تجربه صنعتی پیشرفت کرده اما در تجربه انسانی پیشرفتی نداشته است (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷: ۴). اما تمدن سازی نوین اسلامی به دنبال احیای عزت و کرامت انسان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی است، حرکت و تعالی در همه عرصه ها و همه جنبه های زندگی مادی و معنوی (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). تمدن نوین اسلامی به معنای تجاوز به سرزمین ها، پایمال کردن حقوق انسان ها و تحمیل اخلاق و فرهنگ خود به ملت ها نیست، نظیر آنچه تمدن غرب انجام داد، بلکه به معنای هدیه کردن فضیلت الهی به بشریت و ایجاد زمینه برای تشخیص مسیر صحیح به وسیله خود انسان است. (بیانات رهبری ۱۳۹۵/۰۲/۱۳). رهبری ضمن اشاره به تنوع ملت ها و تفاوت شرایط فرهنگی اجتماعی، از امت اسلامی صحبت می کند و دستیابی به تمدن مطلوب قرآنی را به عنوان چشم انداز مشترک امت اسلامی در کشورهای مختلف



بر می شمارد (۱۳۹۲/۰۲/۰۹). دین، عقلانیت، علم و اخلاق، پایه های تمدن اسلامی جدید هستند و پیشرفت در عرصه های چهارگانه فکر، علم، زندگی و معنویت، تحقق آن را امکان پذیر می سازد.

تمدن جدید اسلامی، برخلاف دیدگاه تک بعدی مادی گرایان که جهان را تنها یک بعد می داند دوبعدی است، هم ساحت مادی دارد هم ساحت معنوی، اما اصالت با ساحت معنوی است. در واقع ارزش علم از نظر رهبری به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است؛ علم قدرت می آورد و اگر این قدرت رها باشد عامل فساد و فتنه انگیزی می شود اما اگر معنویت، علم را فرماندهی کند عامل سعادت انسان می شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می گیرد. در اندیشه رهبر انقلاب، تمدن ماندگار با انگیزه ها و تلاش های مادی صرف به وجود نمی آید و شرط ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین مشکل، معنویت متکی بر دین اسلام است؛ معنویت دینی زمینه ساز شناخت استعدادها و بهره گیری مناسب از آنها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد با کمترین آسیب است (سخنان رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۲۱). طبق اندیشه رهبران انقلاب، تمدن باید استعداد تعالی انسان را در دو جنبه مادی و معنوی داشته باشد (ضابط پور کاری، ۱۳۹۶: ۱۹۰).

اساساً بنیان های انسان شناسانه خاص رهبری سبب شده است رویکرد ایشان به تمدن اسلامی جدید بر انسان سازی و ارتقای درجات روح انسانی استوار شود؛ در نظر ایشان « وجود انسان ترکیبی از جسم و روح و دو بعدی است و انسان باید نسبت به پرورش جسم و روح به شکل توامان اقدام کند. اسلام به عنوان ایدئولوژی انسان ساز برای خود قائل به رسالت است، این رسالت همانا ساختن انسان، به وجود آوردن جامعه و مدینه فاضله و از بین بردن همه موانع موجود در این مسیر است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۰۱/۲۸). پایه اصلی تمدن نه بر صنعت و فناوری و علم که بر فرهنگ، بینش، معرفت و کمال فکری انسان است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می کند و علم را برای او به ارمغان می آورد (سخنرانی نوروزی ۱۳۷۳/۰۱/۰۱).

به طور کلی می توان تمدن نوین اسلامی را ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت های هدفمند، نظامدار و نوظهور امت اسلامی، با محوریت ایران و بر اساس تعالیم اسلامی در همه عرصه های اجتماعی دانست که جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می کند. توسعه کمی و کیفی فرهنگ اسلامی و شکل گیری جامعه اسلامی، حاکمیت سیاسی اسلام، شکل گیری منطق تولید علم مبتنی بر منطق وحی و فراهم شدن فضای عقلانیت اسلامی، مراحل هستند که در مسیر تمدن سازی باید از آن گذر کرد (نجفی، ۱۳۹۹: ۱۰).

دانشگاه به عنوان نهاد علمی تمدن ساز در این مسیر مسئولیت و نقش قابل توجهی دارد و از ملزومات تأمین نظام فکری، معرفتی و تولید دانش و فناوری برای تحقق چنین تمدنی به شمار می رود. بنابراین بازتعریف کارکرد و مسئولیت دانشگاه ها در پرتو این رسالت ضرورت می یابد. به عبارت دیگر، کارکردهای عمومی و رایج دانشگاه ها در محورهایی چون اکتشاف علمی، انسجام میان داده های موجود از طریق تفکر بین رشته ای، کاربرد اطلاعات در مسائل واقعی و آموزش به عنوان اصلی ترین کارکرد دانشگاه (بویر به نقل از جوان بخش و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۴)، همچنین آنچه به عنوان رویکردهای جدید در نسل چهارم و پنجم



دانشگاه‌ها در قالب ماموریت‌های نوآوری و کارآفرینی و مسئولیت اجتماعی، برای این نهاد پذیرفته و تعریف شده است، در چشم انداز تمدن سازی اسلامی ابعاد دیگری پیدا کرده و با شاخص‌های متفاوتی طراحی و تشریح می‌شود.

علم گرایی و دانش محوری، ضرورت گام دوم انقلاب اسلامی

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری با تأکید بر اهمیت پیشرفت علمی به عنوان یکی از ستون‌های تمدن سازی، خواستار نقش آفرینی جدی‌تر دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و جامعه علمی کشور شده‌اند. ایشان با اشاره به آغاز حرکت علمی کشور از حدود دو دهه پیش و سرعت چشمگیر آن، دانشگاهیان را به حرکتی پیشرو، با احساس مسئولیت و انگیزه جهادی فرا می‌خوانند و تصریح می‌کنند: «نیاز کشور، جوشاندن چشمه دانش در میان خود است»

در شرایطی که ایران با وجود تحریم‌های مالی و علمی، توانسته در میان ۲۰۰ کشور جهان، رتبه ۱۶ را در دانش و فناوری کسب کند و در حوزه‌هایی چون نانو، زیست‌فناوری و دیگر علوم نوپدید به سطحی قابل قبول دست یابد، این موفقیت‌ها باید نقطه شروعی برای جهش علمی آینده باشند، نه نقطه توقف. افزون بر این، با توجه به استعداد بالای ملت ایران در علم و تحقیق — که از نظر رهبری نسبت به میانگین جهانی بالاتر است — ضروری است نظام آموزشی و پژوهشی کشور با دقت و عمق بیشتری طراحی شود. ایشان در این زمینه تأکید می‌کنند:

« برنامه‌های آموزشی باید دارای عمق باشند... آینده علمی بشریت به سمت مسائل نوپدید است... آموزش عمیق، تربیت جامع، تخصص لازم در مدیران، ضابطه‌گرایی و نظام‌مندی در همه مسائل، باید مورد توجه قرار گیرد» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، ۹۸/۷/۲۱).

به زعم رهبری، رتبه بالای ایران در برخی رشته‌های علمی نوپا مانند نانو و زیست‌فناوری، هرچند افتخارآمیز است، اما کافی نیست. چرا که حرکت علمی در جهان بسیار شتاب‌گیر و پرتحول است و این تحول نه تنها در تولید علم بلکه در فناوری‌های ناشی از آن و همچنین چرخه تجاری‌سازی و تولید ثروت نیز جریان دارد.

« دانشگاه باید مبتنی بر ابتکار علمی و تولید علمی باشد نه تقلید علمی محض... ایجاد ایده، بعد تولید و بعد بازاریابی، عرضه و مصرف باید درست حرکت کند» (بیانات در دیدار نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۹۷/۳/۲۰).

بنابراین در کنار پیشرفت خود علم، کلیه شبکه‌ها و چرخه‌های مرتبط با تولید و کاربست علم نیز باید متحول و در جهت بهره‌وری بیشتر و کارآمدتر به‌روزرسانی شوند. علاوه بر پیشرفت‌های قابل توجه در علوم طبیعی، پایه، پزشکی، مهندسی و فناوری هسته‌ای، در حوزه علوم انسانی نیز نیازمند تحول بنیادین هستیم؛ حوزه‌هایی چون حقوق، اقتصاد، مدیریت و... باید به گونه‌ای متحول شوند که علم در کنار فرهنگ ایرانی- اسلامی بتواند زمینه ساز اقتدار، ثروت، و عزت بین‌المللی گردد. « غالب حرکت‌های موفق در مجموعه‌های گوناگون بشری، ابتدا در سایه علم انجام گرفته است» (بیانات در دیدار نخبگان، ۹۸/۷/۲۱).

قبل از این نیز، رهبری پیشرفت علمی را یک ضرورت حیاتی برای مقابله با تهدیدهای دشمنان دانسته و تأکید کرده‌اند:



« ما احتیاج داریم که به لحاظ علمی پیشرفت کنیم، اگر پیشرفت نکنیم، تهدید دشمنان تهدیدی دائمی خواهد بود... باید مرز اکتشاف و دانش را توسعه بدهیم» (بیانات در دیدار نخبگان علمی، ۹۷/۷/۲۵).

موضوع دیگری که در ارتباط با دانشگاه و پژوهش مورد تأکید قرار گرفته، ضرورت درگیر شدن دانشگاه با مسائل و چالش‌های واقعی کشور است. این مسائل در دو حوزه علمی-تخصصی و فرهنگی-اجتماعی قابل بررسی‌اند. در بُعد علمی، مهم‌ترین توصیه، پیوند دانشگاه با متن جامعه و شناخت نیازها و اولویت‌های آن است؛ ارتباطی که مستلزم تعامل جدی با دولت و نظام مدیریت کشور است. ارتباط دانشگاه با صنعت از کلیدی‌ترین محورهای تأکیدی رهبر انقلاب در این حوزه محسوب می‌شود.

افزون بر این، هدفمند کردن تحقیقات از جمله توصیه‌های راهبردی در مسیر حل مسائل فعلی و آینده کشور است؛ رویکردی که می‌تواند مرجعیت علمی و حضور در میان سرآمدان علم و فناوری جهان را تسهیل کند. در همین راستا، آمایش آموزش عالی و تقسیم کار ملی بین دانشگاه‌های کشور، رهنمودی هوشمندانه برای نزدیک‌تر شدن نهاد علم به نیازهای واقعی جامعه به شمار می‌آید.

نقش فرهنگی-اجتماعی دانشگاه در گام دوم انقلاب اسلامی

در کنار نقش دانشگاه به‌عنوان پیشران علمی کشور، مقام معظم رهبری بر بعد فرهنگی، تربیتی و هویتی دانشگاه‌ها نیز تأکید ویژه دارند. از منظر ایشان، وظیفه دانشگاه تنها آموزش مفاهیم علمی نیست، بلکه باید در جهت تربیت نسلی متخلق، مؤمن، مسئول و دارای هویت حرکت کند. در این راستا، رهبری تصریح می‌کنند:

« فراتر از تعلیم، مسأله تربیت — آن هم با جهت‌گیری اخلاقی و معنوی و تلطیف روحی و دمیدن احساس هویت در مجموعه جوان دانشجو — مهم است؛ صیقل دادن نفوس جوانان برای آرایش معنوی آن‌ها به تقوا، شجاعت، تواضع و پابندی به عهد» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۳۹۹)

بر این اساس، دانشگاه نه تنها محل تبلور دانش، بلکه عرصه‌ای برای پرورش روح، تقویت ایمان و هویت‌سازی نسل آینده‌ساز کشور است. از نظر رهبری، انسان نخبه و متخصص باید علاوه بر تسلط علمی، نسبت به مسئولیت اجتماعی خود آگاه باشد. ایشان هشدار می‌دهند:

« نخبگان نباید در تخصص خود غرق شوند و از فضای جامعه و از مردم غفلت کنند... نباید مسائل انسان‌ها و مسائل عمده ملت را — مانند پیشرفت، عدالت، استقلال و آسیب‌های اجتماعی — فراموش کنند» (بیانات در دیدار با نخبگان و استعداد‌های برتر علمی، ۹۷/۷/۲۵)

این نوع نگاه، تمایز آشکاری با رویکردهای سکولار به علم دارد؛ رویکردهایی که علم را جدای از اخلاق و مسئولیت اجتماعی تعریف می‌کنند. در مکتب فکری انقلاب اسلامی، علم در خدمت انسان است، نه بر او مسلط؛ و دانشمند، علاوه بر تعهد علمی،



موظف به تعهد اخلاقی و اجتماعی نیز هست. علم باید در مسیر تحقق عدالت، کرامت انسانی، آزادی و استکبارستیزی قرار گیرد، نه ابزاری برای سلطه و تبعیض.

بنابراین دانشگاه اسلامی، مأموریت دوگانه‌ای بر دوش دارد: نخست، آموزش و تولید دانش؛ دوم، تربیت انسان‌های مؤمن، متعهد، عدالت‌خواه و شجاع. تنها در این صورت است که می‌توان از دانشگاه به عنوان خاستگاه تمدن نوین اسلامی یاد کرد؛ تمدنی که عقلانیت، معنویت، عدالت و پیشرفت را در کنار یکدیگر متجلی می‌سازد. جدول زیر پیوند سرفصل‌های گام دوم انقلاب را با دانشگاه تمدن ساز نشان می‌دهد:

جدول ۱. پیوند سرفصل‌های گام دوم انقلاب با نقش تمدن ساز دانشگاه

سرفصل بیانیه گام دوم انقلاب	نقش دانشگاه در تحقق آن	پیوند با تمدن‌سازی / قدرت نرم
علم و پژوهش	تولید دانش، توسعه مرزهای علوم، نوآوری و فناوری	بنیان تمدن علمی و افزایش قدرت ادراکی کشور در جهان
معنویت و اخلاق	تربیت انسان‌های مسئول، اخلاق‌مدار و مؤمن	انسان‌سازی؛ محور تمدن معنوی و سرمایه فرهنگی
اقتصاد	تربیت نیروی متخصص، پیوند دانشگاه با صنعت و کارآفرینی	رشد اقتصادی دانش‌بنیان؛ افزایش اقتدار ملی
عدالت و مبارزه با فساد	تولید گفتمان عدالت‌محور، تربیت مدیران پاکدست	مشروعیت‌سازی تمدن اسلامی و اعتماد عمومی
استقلال و آزادی	تقویت روحیه علمی مستقل، بومی‌سازی علوم	خوداتکایی علمی؛ رهایی از سلطه علمی غرب
عزت ملی و روابط خارجی	دیپلماسی علمی، تعاملات بین‌المللی دانشگاهی	گسترش قدرت نرم و نفوذ علمی منطقه ای و جهانی
سبک زندگی	آموزش سبک زندگی اسلامی-ایرانی، رسانه‌پژوهی	مهندسی فرهنگی؛ زمینه‌ساز تمدن فرهنگی نوین

دانشگاه به مثابه هدف

رخداد انقلاب اسلامی، همسو با تغییرات گسترده‌ای که در حوزه‌های مختلف به همراه داشت، نگاه تازه‌ای به آموزش عالی، دانشگاه و فرایند تولید علم و پژوهش، ارائه کرد؛ تعریف رسالت پرورش انسان شایسته باهویت، متخصص و اخلاق‌مدار با نگرش انقلابی، ضوابط خاصی را بر دانشگاه و برنامه‌های آموزشی آن حاکم کرد تا در کنار تربیت علمی، تربیت فرهنگی، اخلاقی و هویتی دانشجویان را نیز در بر بگیرد. از آنجا که در نظر رهبری برای یک کشور، یک تمدن و یک ملت، مهمتر از همه سرمایه‌ها، سرمایه انسانی است (بیانات در دیدار فرهنگیان و معلمان، ۹۸/۲/۱۱) و این دانشگاه است که نیروی انسانی را تربیت می‌کند، هیچ یک از زیر ساخت‌های گوناگون کشور، اهمیت و نقش دانشگاه را ندارد. از دانشگاه همیشه و در همه جا این انتظار است که محل



جوشش و اوج دو جریان حیاتی در کشور باشد: اول علم و تحقیق، دوم آرمان‌گرایی‌ها و آرمان‌خواهی‌ها و هدف‌گذاری‌های سیاسی اجتماعی (بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بهره‌مندی از نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی، را مهمترین ظرفیت امید بخش کشور معرفی می‌کنند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷)؛ این ظرفیت با توجه به حدود ۴۰ میلیون جوان بین ۱۵ تا ۴۰ ساله و نزدیک به ۱۴ میلیون جمعیت دارای تحصیلات عالی، فرصت ارزشمندی را برای کشور فراهم آورده است که می‌تواند مبنایی برای تحول خواهی و تحول آفرینی برای تحقق اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران و همچنین فراهم ساختن مقدمات مرحله تمدن سازی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب باشد.

در نظر رهبری، تحول حرکتی جهادی و جهشی در بخش‌های اداری، حکمرانی و سبک زندگی عمومی و معطوف به حفظ و تقویت اصول و خطوط اصلی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها، روش‌ها و روان شدن حرکت به سمت آرمان‌های بزرگی چون عدالت، استقلال و اسلامی شدن جامعه و توسعه و ... است (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۴۰۰/۲/۲۱). پیشرفت علمی یکی از این آرمان‌ها و بخشی از مجموعه‌ای است که جامعه اسلامی را شکل می‌دهد یا استقلال آن را تضمین می‌کند.

دانشگاه اسلامی در فاز تمدن سازی، ویژگی و کارکردها

یکی از مهمترین و برجسته‌ترین وعده‌های انقلاب اسلامی، وعده شیوه و سبک زندگی جدیدی غیر از سبک غالب در غرب بوده است؛ این شیوه و سبک نو، تمدن اسلامی ایرانی است که در آن هم به ساحت مادی انسان توجه می‌شود هم ساحت معنوی آن (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۱۷۴). چنین تمدنی با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق والا، مجاهدت مدام و اندیشه پیشرفت همراه بوده و نقطه‌رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاق منحطی است که ارکان تمدن امروز غرب هستند (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۲/۲۹). تمدن اسلامی به مثابه هدف نهایی انقلاب اسلامی، بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶) و علاوه بر شاخصه‌های تمدن کهن، احیای عزت و کرامت مسلمانان را با دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی در بر می‌گیرد (اقبال و رجبی فرجاد، ۱۳۹۹: ۱۷).

دانشگاه و جامعه دانشگاهی، بستر نظام فکری معرفتی و تولید دانش در هر جامعه است، اگر قرار به تحول و تمدن سازی باشد، دانشگاه از نخستین حوزه‌های شروع حرکت و خدمت به شکل‌گیری تمدن جدید است، بخصوص زمانی که چنین رویکردی، به عنوان جایگزین رویکرد غربی انسان محور و مادی‌گرا مطرح می‌شود و بناست در برابر آن مقاومت کند و پایدار بماند. در راهبرد ایرانی اسلامی تمدن، دانشگاه این توانایی را دارد که چون پلی میان فرهنگ انسان مدار و فرهنگ تکنولوژیک عمل کند و شکاف میان آنها را با انسان مدارتر کردن آکادمی، علم و دانش و فناوری، کاهش دهد. تعریف چنین کارکردی برای دانشگاه و آموزش عالی، در سخنان رهبران انقلاب اسلامی و اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود. بر اساس متون موجود، نظام



آموزش عالی ایران اهدافی چون: تربیت و تامین نیروی انسانی و متخصص مورد نیاز، فراهم آوردن زمینه های لازم برای توسعه تحقیقات و نوآوری و انتقال و جذب فناوری و انطباق برنامه درسی و محتوای آموزشی با نیازهای تخصصی جامعه و مقتضیات ناشی از توسعه علوم و معارف و توأم ساختن آموزش با پژوهش و ... را دنبال می کند (ناتیان و رضاپور، ۱۳۹۳).

به عبارت دیگر برای دانشگاه در مسیر تمدن سازی دو وظیفه اصلی در نظر گرفته می شود: تولید علم و فناوری و تربیت و آموزش دانشجوی؛ حال چنانچه تمدن سازی نوین اسلامی مطلوب و مقصود نهایی باشد این وظایف با اوصافی خاص همراه خواهند شد: تربیت و آموزش دانشجوی صالح، انقلابی، عالم و کارآمد و تولید علم و فناوری نوین و کاربردی برای مسائل راهبردی انقلاب و کشور (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۴).

علاوه بر این، سرعت تغییرات و تحولات در عصر جدید و آشکار شدن نیازها و ضرورت های تازه، کارکردها و نقش های دانشگاه و آموزش عالی را از وظایف مرسوم و معروفی چون تولید دانش (پژوهش)، انتقال دانش (آموزش) و اشاعه و نشر دانش (خدمات) و کارآفرینی، به سمت مسئولیت اجتماعی دانشگاه برده است؛ مسئولیتی که نه تنها نسل و جامعه امروز، بلکه آینده و نسل های بعدی، و نه تنها مرزهای جغرافیایی و سیاسی خودی، که سراسر جهان و بشریت را شامل می شود. به عبارت دیگر انتظار می رود دانشگاه به عنوان یک پایگاه معرفتی به فرهنگ سازی و تمدن سازی پردازد که هم به ضرورت های تکنولوژیکی یک تمدن و هم به الزامات فرهنگی و انسانی آن توجه داشته باشد تا گرفتار آشفتگی های فکری، سیاسی، و اخلاقی ناپود کننده تمدن نشود و از تکرار تجربه سقوط تمدن ها و زوال اخلاقی آنها جلوگیری کند. از این جهت بهتر است اوصاف و کارکرد دانشگاه تمدن ساز به طور مشخص بیان شوند. این شاخص ها با توجه به اهداف و مقاصد منظور از نهادهای علمی در مسیر پیشرفت همه جانبه توأم با معنویت گرایی و غایات انقلابی، از سخنان رهبری و پژوهشگران حوزه تمدن اسلامی، استخراج شده اند.

« دانشگاه کارآمد و موثر در تمدن سازی، با صراحت و عقلانیت در خدمت قرآن، انقلاب و پیشرفت ملت است، دانشگاه امروز باید بیش از گذشته، پیشران ایجاد حکومت عمومی ملت و امت اسلامی برای تمدن سازی نوین اسلامی باشد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱).

از آنجا که دانشگاه موتور پیشرفت کشور است، « اگر بخواهد نقش ایجاد و پرورش قوه عاقله کشور را درست ایفا کند الزاماتی دارد، که باید به آن توجه کرد:

درگیر شدن با مسائل کشور

تربیت اخلاقی، فرهنگی و هویتی دانشجویان، یعنی فراتر از تعلیم، مساله تربیت

صیوررت دائمی در محیط دانشگاه، یک تحول مستمر و دائمی در محیط دانشگاه» (سخنان رهبری در دیدار با استادان دانشگاه، ۱۳۹۷/۰۳/۰۳).



دانشگاه تمدن ساز مجرای تحقق توسعه ای همه جانبه، متوازن، پایدار، دانش بنیان و دین محور است. این دانشگاه می خواهد تبیینی از نوع تعامل علم و دین ارائه کند که ثمره آن تحول در علوم موجود و پدیدار شدن علمی است که همان قدر که متصف به «علم بودن» است، و صف «دینی» نیز داشته باشد. دانشگاه تمدن ساز محیطی است با ساختار هو شمند و خلاق که دغدغه بازاندیشی تمدنی و بازسازی اجتماعی دارد و در پی تولید و اشاعه الگوی تمدنی، فرهنگی و اجتماعی اصیل منطبق با زمانه است (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲).

خرمشاد و آدمی دو هدف کلی برای دانشگاه تمدن ساز معرفی می کنند: دسته نخست اهدافی است که ثبات و تثبیت علم و تمدن را در دانشگاه و از طریق آن پیگیری می کند؛ در این حالت دانشگاه می تواند کارویژه اصلی خود یعنی تولید علم را محقق کند و به مرزهای آن عمق بخشد و آن را گسترش دهد. هدف دیگر دانشگاه تمدن ساز، حرکت در جهت پیشرفت، تکامل، توسعه و ترقی است. نوآوری در حوزه بصیرت و علم به منظور گسترش ظرفیت های تمدنی و پیشرفت به معنای ظرفیت سازی بیشتر دانشگاه در انطباق با نیازهای روز. بنابراین دانشگاه تمدن ساز، دانش محور و علم گراست، در جست و جوی ایجاد جهش و جنبش در علم و تولید آن است؛ در این راستا هم جنبش نرم افزارانه لازم است هم انقلاب فناورانه و سخت افزاری. جنبش نرم افزاری تسهیل کننده حرکت تمدن سازی و روان کننده موتور سخت افزاری و به نوعی هدایت گر آن به سمت افق تمدنی است (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

تحقیقات و پژوهش ها، مواد و کتب درسی، نحوه و کیفیت آموزش ها، پایان نامه ها و ... در نهادهای علمی تمدن ساز، باید در جهت تأمین بخش نرم و اصلی تمدن، یعنی الگوهای رفتاری و سبک زندگی، طراحی و اجرا شوند. بخش سخت تمدن، یعنی ابزارهای عملیاتی کردن الگوهای رفتاری، مثل صنعت و فناوری، به صورت پسینی و متناسب با الگوهای رفتاری تولید می شود (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۱: ۹۸). در هیچ تمدنی، ابزار، صنعت و تکنولوژی به صورت رها و بریده از عقبه فرهنگی تمدن تولید نمی شود بلکه لزوما در راستای نیازهای آن تمدن و ناظر بر فرهنگ حاکم و به صورت پسینی تولید می شود. در تمدن سازی اسلامی نیز بخش سخت تمدن باید ناظر به نظام نیازها و در راستای برآورده کردن نیازهای مسلمین و مدنیت طراحی و تولید شود (ضابط پور کاری، ۱۳۹۶: ۱۹۴).

تمدن سازی اسلامی در نگاه رهبری، فرایندی است که مرجعیت اسلام را به رسمیت می شناسد و انسان به عنوان «عامل تمدن سازی»، با مراجعه به اسلام، به مثابه منبع معرفت شناختی، تمدن سازی را بر پایه بنیان های نظری اسلامی، استوار می کند. در این رویکرد تمدنی، مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، در چارچوب اصل هدایت گری قرآن کریم تنظیم می شود. توانایی عقل و نقل از ارکان تمدن نوین اسلامی است و حجیت عقل در کنار کتاب و سنت در یافتن سبک و شیوه زندگی دینی لحاظ شده است (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۰۷/۰۵). عقل منبع اصلی در فهم و استخراج مطالب و علم است و ابزاری راهبردی در تحقق اهداف (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶). در نگاه رهبر انقلاب، عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر



تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی، باید عقل را ملاک و معیار قرار دهیم (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹).

عقلانیت جامع، قوی و پیشرو از مهمترین سرمایه های جامعه برای تمدن سازی است و دانشگاه تمدن ساز، مولد عقلانیت؛ اما عقلانیتی که در اتصال و بهره گیری روشمند و موثر از تعالیم و حیانی است. در حقیقت، فعالیت علمی در هر نوع دانش و رشته ای در دانشگاه تمدن ساز، کاشف صنع و تدبیر الهی تلقی می شود.

عقل گرایی و خرد ورزی ابزار تولید علم و شکستن مرزهای دانش هستند. نهضت نرم افزاری اینگونه موفق می شود و ثمر می دهد. رویکردهای عقل گرا، به عمق علوم نظر دارند و از سطحی نگری دور هستند. غلبه این رویکرد در دانشگاه تمدن ساز علاوه بر آنکه به شناخت بهتر نیازها و مقتضیات جامعه و آموزش هدفمند نیروی انسانی منجر می شود، پاسخگویی فعال و مبتکرانه به این ضروریات را به همراه می آورد، پاسخی که ضمن حرکت در مرزهای علم با رویکرد جهانی، نیازهای کشور را به عالمانه ترین شکل و عملی ترین راه کار تأمین و برطرف می کند.

ویژگی دیگر دانشگاه تمدن ساز، نوآوری و ابتکار و تقلیدگریزی است. خلاقیت و حرکت در چرخه نوآوری و فناوری علمی و تأمین لوازم آن؛ البته نوآوری محدود به حوزه علمی نیست و در حوزه های مدیریتی، فرهنگی و تربیتی نیز بازتاب دارد. چهارچوب باز و نقد عالمانه و منصفانه نظریات، خواه از شرق یا غرب، در دانشگاه، قدرت تحول آفرینی آن را افزایش می دهد. در واقع دانشگاه موفق چهارچوب های رایج را در عرصه علم، متناسب با نیازها و شرایط روز منعطف می کند چرا که تعصب ورزی، اجازه بهره گیری از فرصت را محدود می کند (غلامی، ۱۳۹۹).

پیوند با جامعه و صنعت، معرف دیگری برای دانشگاه تمدن ساز است؛ صنعت نوآور، دانش بنیان، کیفی و رقابتی، محصول دانشگاه تمدن ساز است. صنعت نیز با روشن کردن موتور تولید مساله، موجب رونق دانشگاه و عینی شدن تلاش آن می شود ضمن آنکه می تواند سرمایه لازم برای توسعه تحقیقات را به دانشگاه تزریق کند. ارتباط و پیوند دانشگاه با جامعه و صنعت، به شناسایی نیازها و اولویت های فنی و تکنیکی و علمی کشور، رصد توانایی و قابلیت های صنعت و ملزومات آن و مهندسی رشته ها و جذب دانشجو بر اساس این ارزیابی ها می انجامد و سبب می شود دانش و پژوهش در مسیری هدفمند و کاربردی توسعه یابند. چرا که تعلیمات کم عمق و بدون بازدهی عملی و اشتغال آفرین و تولیدات ضعیف یا تکراری سهمی در شکل گیری تمدن نخواهد داشت.

انسان های رشد یافته عنصر اصلی و کلیدی تمدن سازی به شمار می روند و دانشگاه تمدن ساز تنها مسئول پرورش علما و دانشمندان نیست بلکه مرکز پرورش انسان های رشد یافته است. تربیت و پرورش انسان های متعهد و متخصص، کارویژه ای است که هم در نظر امام خمینی و هم در اندیشه رهبری انقلاب، دانشگاه جامعه اسلامی موظف است به آن توجه و اهتمام داشته باشد:»



قطب دانشگاه مأمور انسان سازی است... کارشان همان کار انبیاست و مسئولیتشان بالاتر از همه مسئولیت‌ها...» (امام خمینی، ج ۸ صحیفه: ۶۱).

آیت الله خامنه ای نیز پرورش انسان را از ضروریات تمدن سازی می‌دانند: «برای ایجاد یک تمدن اسلامی، مانند هر تمدن دیگر، دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان» (بیانات رهبری، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹). برنامه ریزی و سیاستگذاری آموزشی تربیتی در دانشگاه تمدن ساز باید به گونه‌ای باشد که ابعاد مختلف پرورش انسان را در محورهای علمی، فکری و مهارتی، اعتقادی، فرهنگی و اخلاقی تأمین کند. تنها تربیت هدفمند و همه جانبه می‌تواند دانشگاه را به ساز و کار و مجرای مناسب در جهت تمدن سازی تبدیل کند.

در واقع باید گفت دانشگاه تمدن ساز محل تربیت دانشجویانی است که علاوه بر کسب تخصص در رشته تحصیلی خود، از حیث تجارب و عقل بشری، از رهاورد وحی و دین در آن رشته برخوردار گردند و از حیث ظاهر، عامل به ظواهر دینی باشند؛ بهره‌مند از تهذیب بوده و از حیث توان مدیریتی، در حد اداره پست‌های کلیدی نظام سیاسی، تخصص و آگاهی اسلامی داشته و الگوی اسلامی شدن دیگران باشند (احمدی، ۱۳۸۱: ۸۲). هدف دانشگاه اسلامی تمدن ساز باید تهذیب انسانی، همراهی علم و ایمان، حس خدمتگذاری، استقلال طلبی و عدم وابستگی باشد. محصول چنین دانشگاهی انسان‌های مومن و تعهد است، سعادت دنیوی و اخروی را با هم تأمین می‌کند و پاسخگوی مسائل کشور است (فراستخواه و آب‌سالان، ۱۳۹۶: ۴۷۹). تربیت تک ساحتی و تک بعدی، چنانچه در رویکر غربی انجام و اجرا می‌شود، مطلوب تمدن سازی نوین اسلامی نیست. کارگزار انسانی تمدن اسلامی، تخصص را به همراه ایمان و روشن بینی و بصیرت به عرصه عمل می‌آورد. همانگونه که در سخنان رهبری آمده است: «دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را با هم همراه می‌کند. علم می‌آموزد و جهت گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد» (بیانات آیت الله خامنه ای، ۲۹/۱۰/۱۳۸۴).

رویکرد تمدن نوین اسلامی بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی انسان است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است (نجفی، ۱۳۹۹: ۹)، از این رو نهادهای علمی و آموزشی مثل دانشگاه، وظیفه دارند بستر مناسب و کارآمد را برای شناسایی، پرورش و کاربست این ظرفیت‌ها فراهم سازند، امری که با تلاش و مجاهدت در چند عرصه تربیتی و به صورت همزمان محقق می‌شود از جمله: ترویج ابتکار و کارآفرینی، فراگیری علوم و مهارت‌های اداره زندگی و جامعه، ارتقای روحیه علمی پارسایانه، هویت بخشی و خودباوری، انگیزه و تعهد، ترویج فضائل اخلاقی و سبک زندگی اسلامی و معارف انقلاب اسلامی، توسعه مهارت‌های تفکر و نظریه‌پردازی و ایجاد قدرت تحلیل، تعمیق ایمان و بصیرت افزایی (نجاران طوسی، ۱۴۰۱: ۶۲-۶۸).

دانشگاه در تحقق تولید فکر، به عنوان ضرورت دیگر تمدن سازی، نیز کارکرد دارد؛ این کارویژه می‌بایست از مسیر جهاد علمی، نوآوری روشمند و خردمندانه، پژوهش‌های هدفمند و کاربردی، رصد جریان‌های فکری و علمی و فراگیری تجارب بشری،



تقویت بنیه علمی کشور و توسعه علوم پایه، الگوسازی فکری و عملی، تحول در علوم انسانی بر مبنای اندیشه اسلامی، برگزاری کرسی نقد و نظریه پردازی، اعتبار بخشی و بهره گیری در ست از نتایج فعالیت های علمی و حمایت از کارآفرینی و شرکت های دانش بنیان، عملیاتی شود (با مراجعه به سخنان رهبری در مناسبت های مختلف این تاکیدات آشکار می شود، برای نمونه: بیانات در ۱۳۹۵/۰۷/۲۷، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹، ۱۳۹۵/۰۳/۲۹، ۱۳۹۲/۰۹/۲۱، ۱۳۸۸/۰۱/۲۶).

به طور کلی باید گفت دانشگاه تمدن ساز، دانشگاهی علم گرا و دانش محور است و به عنوان یک نهاد، زمینه ساز تعالی و ارتقا دهنده تمدن در نهاد جامعه، کشور و جهان است؛ دانشگاهی با تاکید بر معنویت، ارزش ها و انسان سازی که به تولید علم در راستای ارتقا سطح رفاه عمومی جامعه از طریق ارتباط پویا با نظام های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (متناسب با احکام دینی و قرآنی) می پردازد (هدایت فسندوز و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۳). دانشگاهی که با وسعت نظر در حوزه سیاست گذاری، هم ضرورت های تکنولوژیک تمدنی و هم الزامات انسانی و معنوی و فرهنگی را پیگیری می کند.

در اندیشه رهبرانقلاب، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. از دیدگاه ایشان علم سلطه آور است و جامعه ی صاحب علم را قدرتمند می سازد. تأکید رهبری به فراگیری علم، تولید و صدور آن است، نباید به مصرف علم بسنده نمود. از آنجا که علم، قدرت است، دانشگاه صاحب قدرت و قدرت آفرین است اما ماهیت قدرتی که در دانشگاه تولید می شود متفاوت از قدرت در حوزه های سیاسی اجتماعی است اگر چه می تواند در این حوزه ها نیز تعیین کننده باشد و بازتولید قدرت را محقق کند.

زمانی که از دانشگاه تمدن ساز سخن به میان می آید، افزون بر تمام ظرفیت ها و امکاناتی که برای دانشگاه در حوزه کارکردهای داخلی مورد توجه هستند، مجموعه ای از توانمندی ها و فرصت ها برجسته خواهند شد که معمولا در پرتوی مفاهیمی چون قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی علمی و دیپلماسی فرهنگی، تبیین و تحلیل می شوند. در بخش دوم مقاله به جایگاه دانشگاه در فرایند تمدن سازی، از این منظر خواهیم پرداخت.

قدرت نرم در دانشگاه تمدن ساز

محتوای آثار متفکران و نظریه پردازان در توضیح واژه قدرت نرم نشان می دهد که قدرت نرم محصول و برآیند تصویر سازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تاثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران و دیگران را تابع اراده خود ساختن است (Nye, 1990; 2004). با برنامه ریزی صحیح و سیاستگذاری اصولی، در هر کشوری دانشگاه می تواند در مولفه ای یاد شده، نقش تعیین کننده ای ایفا کند. کشورهای زیادی از ظرفیت بوسه تحصیلی و یا دیگر فعالیت های آموزش عالی به عنوان ظرفیت قدرت نرم نظر داشته اند؛ بسیاری از دانشجویان بین المللی بوسه، رهبران بالقوه و نخبگانی هستند که در نهایت به کشور خود باز می گردند و پست های مهمی را در بخش های عمومی و خصوصی بر عهده می گیرند (Isheng Kai, 2015: 3). این مجموعه چنانچه در دوره تحصیل خود در کشور میزبان، تجربه مثبت و رضایتبخشی



را پشت سر گذاشته باشند، احتمال تعامل گسترده و در سطوح بالاتری را در آینده میان کشورها افزایش می‌دهند؛ این شرایط خود به اعتبار و قدرت بین‌المللی کشور میزبان کمک می‌کند. تماس‌های فرهنگی و علمی تاثیر زیادی در مبارزه با احساسات منفی درباره یک کشور دارند و از اینرو، برنامه‌های تبادل آموزشی و همکاری علمی، بخشی از راهبردهای اعمال قدرت نرم در نظر گرفته می‌شود (رفیع و نیکروش، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

فعالیت گسترده دانشمندان ایرانی، افزایش تعداد مقالات و تولیدات علمی، دستاوردهای مثل رسیدن به چرخه کامل سوخت هسته‌ای، پرتاب ماهواره و پیوستن به باشگاه فضایی، شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی تبدیل شدن به قطب مهمی در مرجعیت علمی در منطقه و جهان اسلام، افزایش جوایز در جشنواره‌های جهانی، ساخت داروهای ترکیبی، جراحی‌های بزرگ و درمان بیماری‌های صعب‌العلاج و به طور کلی ارتقا رتبه و اعتبار علمی ایران در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که توانایی سرمایه‌گذاری و بهره‌مندی از ظرفیت علم و دانشگاه برای پیگیری اهداف ملی و بین‌المللی، و در صدر آنها، تمدن‌سازی، در ایران وجود دارد. در واقع ظرفیت‌های علم و فناوری با دارندگی و تامین امنیت، قدرت زایی و ثروت‌آفرینی بر اساس فعالیت‌های دانش‌بنیان، کمک به ایجاد همگرایی با سایر کشورها، نفوذ سیاسی و بهره‌گیری از این ابزار به عنوان اهرم‌های تشویق، تنبیه و تحریم برای تنظیم مناسبات میان کشورها، از مولفه‌هایی است که ضرورت توجه به علم و فناوری را در تصمیم‌گیری‌ها و تدوین سیاست کلان دولت‌ها آشکار می‌کند (مارگینسون به نقل از نورمحمدی و محمدپور، ۱۳۹۷). معمولاً این رویکرد از مسیر دیپلماسی عمومی دنبال می‌شود که با راهبردهای مختلف (عموماً دو راهبرد رسانه‌ای و فرهنگی آموزشی) برای اثرگذاری بر اذهان مردم دیگر کشورها و ایجاد تصویر مثبت از کشور به کار می‌رود؛ واحدهای سیاسی به این ترتیب موفقیت‌های خود را در میان جوامع دیگر شایع می‌سازند، شکست‌های احتمالی را کوچک جلوه می‌دهند و تغییرات در حکومت و جامعه را برای دیگران توضیح دهند تا دولت ملت‌های دیگر تمایل مثبتی نسبت به کشور به کار برنده دیپلماسی عمومی در ذهن خود احساس کنند (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

گسترش روابط با پایدار با افراد کلیدی از راه اعطای بورس تحصیلی، تبادلات فرهنگی دانشگاهی و آموزشی، برگزاری همایش‌های بین‌المللی از رویکردهای اصلی در دیپلماسی عمومی هستند که در وهله نخست بر نخبگان بالقوه و بالفعل کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند و در تلاش است با تاثیرگذاری بر آنها این گروه را به اشاعه دهندگان مقاصد کشور مبدا تبدیل کند. این راهبرد که از آن به دیپلماسی فرهنگی نیز تعبیر می‌شود به برقراری، توسعه و پیگیری روابط با نخبگان خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش مرتبط است؛ فرایندی موثر که در آن فرهنگ یک ملت از طریق تبادل دانش، ایده، اطلاعات و هنر ... به منظور تقویت تفاهم متقابل به جهان بیرون عرضه می‌شود (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۴۰). به این ترتیب، توسعه تصویر مثبت ممکن است به افزایش قدرت آنها بیانجامد.



دیپلماسی علم و قدرت نرم

بهره‌گیری از علم و فناوری برای تامین منافع ملی و رسیدن به سطحی از همکاری بین‌المللی، پدیده‌ای است که با نام دیپلماسی علمی^۱ مورد استفاده دولت‌ها قرار می‌گیرد. استفاده از پتانسیل علم و فناوری برای تحقق اهداف سیاست خارجی و استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای پیشبرد علم و فناوری موضوع اصلی دیپلماسی علم است (Mayer, 2014: 12). رسیدن به مرجعیت علمی در منطقه، بر اساس سند چشم‌انداز و اسناد بالادستی دیگر مثل سیاست‌های کلی علم و فناوری، که در سال ۱۳۹۳ توسط رهبری ابلاغ شد، بدون دیپلماسی علم و فناوری امکان‌پذیر نیست. امروزه ارتباط علمی و فناورانه از ابزارهای اصلی تعامل میان کشورها به حساب می‌آید. دانشگاه تمدن ساز با توجه به سرعت تحولات در عصر جهانی شدن و چالش‌های جهانی مشترک مثل تغییرات اقلیم، همه‌گیری‌ها، بلایای طبیعی، تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، تروریسم، امنیت سایبری و ... ایده و سازه‌ایست که می‌تواند گروه‌های مختلف را از جوامع مختلف حول محورهای اساسی و انسانی گرد هم آورد، هماهنگی و همکاری بین‌المللی را بهبود بخشد، توسعه پایدار بلندمدت را برای همه به فرصتی دست‌یافتنی تبدیل کند و عرصه‌ای را فراهم سازد که همگان در آن طی تعاملی مثبت و سازنده به بازی زندگی و تکامل آن بپردازند. ساختن این زمین بازی و تعیین قواعد و معیارهای حاکم بر آن به عهده قشر دانشگاهی به عنوان کانون فکر و نظریه‌پردازی تمدنی است (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸).

طبق اسناد فرادستی ایران، شاخص‌های دیپلماسی علمی در ابعاد همکاری‌های علمی بین‌المللی، پژوهش‌های مشترک علمی، شبکه‌سازی نخبگان و اندیشمندان در سطح منطقه‌ای و جهانی مطرح شده است. تاکید رهبری انقلاب بر همکاری و ارتباط علمی با کشورهایی که در مسیر رشد جهشی قرار دارند، مثل کشورهای آسیایی، می‌تواند در همین راستا ارزیابی کرد (بیانات رهبری در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۸/۸/۱۲).

آشکار است که رویکرد تمدن‌سازی منحصر به مرزهای سیاسی و جغرافیای ایران نیست، همچنان که از امت اسلامی صحبت می‌شود، دانشگاه تمدن ساز، پل ارتباط کشورهای اسلامی در وهله اول و دیگر کشورها و جوامع در مراتب بعدی خواهد بود. به تعبیر شهید مطهری، تشویق بی‌حد و حصر اسلام به تفکر، تعلیم و تعلم و همچنین احترامی که به عقاید ملت‌ها گذاشته است، از علل اساسی پیدایش و گسترش تمدن اسلامی بوده است (مطهری به نقل از رضایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۱). در حال حاضر نیز فضای دانشگاه و مبادلات علمی، بستر مناسبی برای پیشبرد تمدن نوین اسلامی و افزایش قدرت نرم طلایه دار این تمدن خواهد بود. موقعیت جغرافیایی مناسب و استراتژیک ایران، شمار قابل توجه جمعیت تحصیل کرده، سابقه فکری و تمدنی طولانی، ظرفیت‌های لازم برای سازه‌گفتمان تمدنی جدید را فراهم کرده است و آنچه اهمیت دارد مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی مناسب برای بهره‌برداری از این فرصت و ظرفیت است.

در نقشه جامع علمی کشور، تعامل فعال و اثرگذار در حوزه علم و فناوری با کشورهای دیگر، به ویژه منطقه و جهان اسلام و در سند دانشگاه اسلامی، توسعه تعامل علمی در عرصه‌های بین‌المللی و دستیابی به مرجعیت علمی و فرهنگی در نطقه و جهان



اسلام، تعامل اثربخش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دانشگاه‌های کشور با دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دیگر کشورها به ویژه در جهان اسلام و افزایش سهم تاثیرگذاری بر آنها مورد توجه بوده است (نجفی رستاقی و دهقانان، ۱۴۰۱: ۱۳۲). می‌توان گفت تداوم رشد، گسترش و اعتلای تمدن اسلامی تا زمانی امکان پذیر است که پیوند مسلمانان و مراکز جهان اسلام با علم و پژوهش ادامه داشته باشد. بدون تردید دانشگاه‌ها در حصول به این اهداف عملکرد تعیین کننده ای خواهند داشت.

علم در ذات خود غیر سیاسی است، به موضوعاتی می‌پردازد که برای همه جوامع اهمیت دارد، شفاف، شایسته سالار و مبتنی بر داده است، دسترسی به بهترین ذهن‌ها و ایده‌ها را فراهم می‌کند؛ فعالیت‌هایی که بر تولید و تبادل چنین ماهیتی استوار باشد، برای تمام طرفین تعامل سودمند و اثربخش تلقی می‌شود (Baran, 2017). دانش ممکن است نتواند تضادها را حل و برطرف کند اما می‌تواند مسیر تعامل و همکاری را هموار نماید؛ جوامع علمی و رای مرزهای ملی و حول مسائل و علایق مشترک کار می‌کنند. این ویژگی، نوع جدیدی از کنش و کنش متقابل است ائتلافی جدید از کشورها، سازمان‌های غیردولتی و بخش‌های خصوصی را می‌طلبد که اگر با اهداف گسترده تر سیاست خارجی همراه شود، مجرای برای ایجاد همکاری و حل منازعات از مسیر مبادله علمی خواهد بود. اشتراک مساعی روی وجوه علمی مسائل و موضوعات حاسم، مثل منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، گاهی می‌تواند مسیر کارآمدی برای دیگر شکل‌های گفتگوی سیاسی باشد. پتانسیل علم به عنوان عرصه ای برای اعتمادسازی و درک متقابل میان کشورها، امروزه جذابیت بالایی دارد (Royal Society, 2010).

دانشگاه تمدن ساز می‌تواند ابزار سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی باشد؛ تمدن نوین اسلامی به رابطه با سایر تمدن‌ها نیاز دارد هم برای رفع نیازهای افراد جامعه و جبران کمبودهای داخلی و هم برای انتقال مبانی نظری انسان ساز و جامعه ساز اسلام (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). چنین دانشگاهی ارائه دهنده جلوه ای از تمدن اسلامی مبتنی بر سازش عقل و ایمان، با بهره مندی از امکانات و ابزارهای علمی، فناوری و ارتباطی نوین و قدرت نرم افزاری، همچنین ارائه الگوی جدید برای هدایت شهروندان جهانی است، کارکردی که در راستای افزایش اعتماد عمومی در عرصه خارجی بسیار مهم دانسته می‌شود (دهشیری و بهرامی، ۱۴۰۰: ۴۲)؛ امری که هدف مستقیم قدرت نرم است. رویکرد انسانی و اخلاقی دانشگاه تمدن ساز و تعاملات و مبادلات علمی پژوهشی آن در قالب تبادل استاد و دانشجو، پروژه‌های علمی مشترک، صادرات دانش بنیان، توسعه فرصت‌های مطالعاتی بین المللی می‌تواند زبان گویایی در جنگ روایت‌های باشد که اختلافات شناختی ایجاد کرده اند و اعتماد، اطمینان، همکاری و صلح را با جهان اسلام و درون آن مخدوش ساخته‌اند.

هدف از ارائه خدمات آموزشی به دانشجویان خارجی، بهبود درک متقابل میان افراد از کشورهای مختلف و توسعه همکاری و روابط دوستانه میان دولت‌هاست. معمولاً جهان بینی و ارزش‌های دانشجویان جوان در خلال سال‌های جوانی و دانشجویی آنها شکل می‌گیرد و دانشجویان بین المللی که در جایی خارج از کشور خود تحصیل می‌کنند، بعضاً مایل به فراگیری زبان کشور میزبان و شناخت میراث فرهنگی و مزیت‌های علمی آن کشور هستند؛ آنها با آیین‌ها، رسوم و سنت‌های ملی آشنا می‌شوند و زمانی که به



وطن خویش باز می‌گردند، با اندوخته معرفتی جدید و سرمایه اجتماعی و پیوندهای شخصی، مانند دانشجویان بومی، حامل زبان و فرهنگ کشوری باشند که در آن تحصیل می‌کردند. به این ترتیب آموزش عالی، به دولت‌ها کمک می‌کند، بدون تو سل به نیروی نظامی یا هر ابزار قهرآمیز دیگری، بر دنیای بیرون خود به شکل موثری اعمال نفوذ کنند (Ostashova, 2020:2).

غالب کشورهایایی که در صدد افزایش قدرت نرم و نفوذ بین‌المللی خود هستند تلاش کرده‌اند از ظرفیت‌های علم و فناوری در این راستا استفاده کنند. برای مثال در چین ترویج مبادله و همکاری در آموزش عالی، و تو سل به قدرت نرم برای افزایش نفوذ بین‌المللی بسیار مورد تأکید بوده است؛ جذب دانشجویان خارجی، روشنفکران و تکنسین‌ها از کشورهای مختلف، شکل مهمی از قدرت در بستر آموزش عالی است که چین از آن بهره برده است (Li, 2018: 22). در ایالات متحده نیز اهمیت دانشگاه و آموزش عالی در تأمین منافع و پیشبرد اهداف سیاست خارجی این کشور همواره مورد توجه بوده است. کالین پاول وزیر خارجه سابق آمریکا (۲۰۱۱) در سخنانی می‌گوید «فکر نمی‌کنم برای کشور ما سرمایه‌ای ارزشمندتر از دوستی رهبران آینده دنیا، که در اینجا (آمریکا) تحصیل کرده‌اند، وجود داشته باشد» (Nye, 2005: 14). به عبارتی می‌توان گفت دانشجویان بین‌المللی، رهبران و نخبگان بالقوه جوامع خود هستند و در بازگشت به وطن در حوزه‌های دولتی یا خصوصی مشغول به کار می‌شوند، آنها دانش و معرفتی را مفهوم سازی و منتشر می‌کنند که در آموزش دانشگاهی خود دریافت کرده‌اند. افزون بر این، جذب باهوش‌ترین عالمان، متخصصان، پژوهشگران و دانشجویان از سراسر جهان، ممکن است موجب جهت‌دهی به جریان‌های مطالعاتی در کشورهای مختلف شود و به اشاعه ارزش‌های فرهنگی و بهبود تصویر کشور در چشم بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بیانجامد و چه فرصتی مغنم‌تر از این برای دانشگاه در تمدن اسلامی که به غایات تمدنی خویش از مسیری معتبر و مقبول دست یابد.

البته باید توجه داشت که استفاده از این ظرفیت، منوط به تحقق پیش‌شرط‌ها و ملزوماتی خاص است و تنها در آن صورت می‌توان به تاثیرگذاری دانشگاه در تحصیل قدرت نرم و اهداف تمدن‌سازی امیدوار بود. با توجه به توسعه فناوری‌های آموزش از راه دور، ظهور مفهوم آموزش مادام‌العمر و بین‌المللی شدن شدید آموزش، توسعه جذابیت‌ها و مزایای نظام‌های آموزش عالی در تمدن نوین اسلامی اهمیت می‌یابد. عموماً دانشگاه‌ها متمایل به پیشبرد خدمات خود به صورت بین‌المللی هستند و می‌کشند به تدریج در شبکه‌های پژوهشی و تحقیقاتی گوناگون بین‌المللی ادغام شوند؛ آنها برای جذب حداکثر دانشجوی ممکن (دانشجویانی که بعد از فارغ‌التحصیلی، کارگزاران پویا و فعال آنها در تبادل دانش و عناصر قدرت نرم خواهند بود)، به دقت برگرایش‌های آموزشی بین‌المللی نظارت و کنترل دارند. بنابراین همانگونه که آمایش سرزمینی و ماموریت‌گرایی دانشگاه با توجه به نیازها و اقتضات بومی و ملی در تعریف رشته‌های آموزشی، پذیرش و تربیت دانشجو و تعریف فعالیت‌های پژوهشی اهمیت دارد، نظارت بر تمایلات آموزشی در سطح بین‌المللی و تعریف دستورکار متناسب با آن برای دانشگاه و آموزش عالی نیز مهم است.

علاوه بر این، جذابیت‌های منطقه، در دسترس بودن منابع و فرصت‌های پیشرفت موفق در زندگی اجتماعی و حرفه‌ای، سطح مدارا و تساهل در جامعه میزبان، هزینه‌های رفاهی و فرایند دریافت ویزا و پذیرش، همگی در میزان تاثیرگذاری دانشگاه بر قدرت



نرم در یک کشور تاثیر دارد و باید در سیاستگذاری تمدنی و برنامه ریزی برای دانشگاه تمدن ساز در نظر گرفته شود. در این صورت دانشگاه اسلامی می تواند وارد میدان رقابت با نهادهای آموزش عالی و دانشگاه های دیگر جوامع و رویکردهای تمدنی می سازد.

نتیجه گیری

بیانیه گام دوم انقلاب، بازخوانی دستاوردهای چهل ساله انقلاب و توجیه نامه ای برای حوزه های کلیدی با معرفی ظرفیت های مهم کشور است. یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در بیانیه گام دوم علم محوری و دانش گرایی البته با تاکید بر معنویت و اخلاق است. انقلاب اسلامی نخستین مرحله در دستیابی به تمدن نوین اسلامی است که نهادها و ابزارهای مختلف در یک برنامه ریزی اصولی، اسلامی و عقلانی باید مسیر تحقق آن را هموار سازند. نهادهای علمی، دانشگاه و آموزش علمی با نظر به ظرفیت و امکانات قابل توجهی که در تربیت و پرورش افراد، تولید و انتقال دانش، فناوری، اشاعه فرهنگ و ارزش ها، همگرایی و همکاری دارند از دروازه های تمدن نوین محسوب می شوند. این ویژگی، کارکردهای خاصی را برای دانشگاه ضروری می سازد که در ابعاد تربیتی، علمی، فرهنگی و مهارتی اجرا می شوند، تولید علم متناسب با نیازهای جامعه، کارآفرینی و خلق ثروت، نهادینه سازی معنویت، پرورش انسان های اندیشمند و مومن، تولید قدرت و توسعه مشارکت اجتماعی، مهارت آموزی، توانایی حل مساله و تفکر نقاد و ...

دانشگاه تمدن ساز نه صرفاً یک فضای آکادمیک، بلکه روایتی نواز تمدن سازی اسلامی در عصر جهانی شدن است. با پیوند سه گانه علم، اخلاق و سیاست بین الملل، این نهاد باید به بازیگر کلیدی در دیپلماسی علمی، توسعه تعاملات منطقه ای، تقویت هویت جهان اسلام، و پیشبرد گفتمان معنوی در سطح جهانی تبدیل شود. جذب نخبگان بین المللی، تبادلات فرهنگی و علمی، و صدور دانش و الگوهای دانشگاهی بومی، ابزارهای قدرت نرمی اند که دانشگاه می تواند در راستای اهداف تمدنی ایران به کار گیرد و سرعت و امکان محقق شدن تمدن نوین اسلامی را افزایش دهد.

تمام واحدهای سیاسی نیازمند تقویت و کاربرد قدرت نرم هستند تا اهداف و منافع خود را در عرصه بین المللی با هزینه کمتر و دامنه ی بیشتر تأمین و تضمین نمایند و اقتدار ملی خود را افزایش دهند. راهبرد آموزشی و مبادلات علمی دانشگاهی، فرهنگ، دانش، ایده ها و اطلاعات را برای ارتقا تفاهم متقابل و ترغیب همکاری متقابل می کند و از مهمترین مولفه های جذب، اعمال و توسعه قدرت نرم است. از آنجا که تمدن سازی مستلزم بهره برداری متناسب از تمام ظرفیت های داخلی و خارجی و مجموعه ابزارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی است، سرمایه گذاری و برنامه ریزی ویژه روی دانشگاه، دیپلماسی علم و فناوری با توجه به جایگاه علم و دانش در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و دستاوردهای علمی و فناورانه ایران در حوزه های مختلف مهندسی، پزشکی، صنایع هوایی، انرژی هسته ای، نانو، صنایع نظامی و زیست فناوری، ضرورتی انکار ناپذیر خواهد بود.



منابع

۱. آدمی، علی و مهدی ذوالفقاری (۱۳۹۱)، اثرگذاری قدرت نرم در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۲۹، ۹-۴۴.
۲. ابراهیمی کوشالی، حسین و مهدی حیدری (۱۴۰۰)، کرکردهای ممتاز دانشگاه در فرایند شکل گیری تمدن نوین اسلامی بر اساس منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی)، اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۱۵، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، ۲۸-۱.
۳. اسماعیلی، عبدالکریم، رضا مقیسه و حسن نادری منش (۱۴۰۰)، کارکردهای دانشگاهها در مراحل تمدن سازی نوین اسلامی، پژوهش های گفتمانی تمدنی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲، ۵۳-۹۰.
۴. اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (۱۳۹۴)، واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی، دوره ۳، شماره ۵، ۸۵-۱۰۸.
۵. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹) قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، انتشارات بوستان کتاب
۶. جوان بخش، مرجان، سیف الله فضل الهی قمیشی و محمود ابوالقاسمی (۱۳۹۹)، دانشگاه تمدن ساز، چالش ها و راهکارها، معرفت، سال ۲۹، شماره ۳، ۷۱-۸۲.
۷. سخنرانی خامنه ای، آیت الله سید علی (۱۳۷۳) تا (۱۴۰۰)، دسترسی www.KHAMENEI.I.R
۸. خمینی، آیت الله سید روح الله (۱۳۸۹)، صحیفه نور، ج ۸.
۹. خرمشاد، محمدباقر و علی آدمی (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن ساز، دانشگاه ایران، دانشگاه تمدن ساز، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶، ۱۶۱-۱۸۸.
۱۰. درخشه، جلال و مصطفی غفاری (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، فرصت ها، اقدامات، اولویت ها و دستاوردها، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره ۱۲، شماره ۱۶، ۹-۴۵.
۱۱. دهشیری، محمدرضا و زهرا بهرامی (۱۴۰۰)، مولفه های الگوی سیاست خارجی تمدن ساز، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۴، شماره ۲، ۳۱-۵۶.
۱۲. رضایی، رمضان، بهاء الدین قهرمانی نژاد شایق، محمد اصغریان دستنایی (۱۳۹۷)، واکاوی نقش راهبری دانشمندان و حاکمان در بالندگی تمدن اسلامی، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال ۶، شماره ۱۲، ۳۵-۵۵.
۱۳. رفیع، حسین و ملیحه نیک روش (۱۳۹۲)، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با تاکید بر قدرت نرم ایران در عراق، مطالعات روابط بین الملل، شماره ۲۲، ۹۹-۱۳۲.
۱۴. غلامیان، مرضیه و عیسی نوری (۱۴۰۳)، تحلیل و شناخت مبانی بیانیه گام دوم انقلاب، مطالعات آینده پژوهی و سیاستگذاری، دوره ۱۰، شماره ۱، ۱۴-۱.
۱۵. فراستخواه، مسعود و صادق آبسالان (۱۳۹۶)، اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۲۱، شماره ۴، ۴۶۹-۴۹۸.



۱۶. فرزانه، محمد باقر، علی خیاط، هادی صفرپور (۱۳۹۷)، تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، دو فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۱۱۸، ۱۷۷-۲۰۵.
۱۷. سلطانی، مصطفی، مهدی فرمانیان، نبی‌الله روحی (۱۳۹۸)، بنیان‌های فکری تمدن اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال چهارم، شماره ۱۴، ۵-۲۹.
۱۸. ضابط‌پور کاری، غلامرضا (۱۳۹۶)، نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، سیاست پژوهی ایرانی (سپهر سیاست سابق)، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۸۵-۲۰۵.
۱۹. سرخیل، بهنام (۱۳۹۹)، چینش نخبگانی، جوانان و چالش‌های پیش روی تمدن نوین اسلامی با تأکید بر نخبگان دانشگاهی، مطالعات بنیادین تمدن اسلامی، دوره ۳، شماره ۲، پیاپی، ۶، ۱۶۱-۱۸۶.
۲۰. مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۱)، مدخلی بر مناسبات فقه و تمدن، فصلنامه فقه، دوره ۱۹، شماره ۷۲، ۶۲-۱۰۳.
۲۱. نباتیان، محمد اسماعیل و حسین رضاپور (۱۳۹۳)، نقش قدرت نرم آموزش عالی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی، فصلنامه سیاست متعالیه، دوره ۲، شماره ۷، ۳۹-۵۸.
۲۲. نجاران طو سی، حامد (۱۴۰۱)، الگوی نقش آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن سازی مبتنی بر منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی، مطالعات میان رشته ای تمدنی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱، ۵۳-۸۳.

۱. *Baran, Yusuf (۲۰۱۷), Science Diplomacy, soft power to connect the world through Science, 1st International Conference of TMS Young Affiliates Network, Rio De Janeiro, Brasil.*

۲. *Chi a Sheng-Kai Charles (۲۰۱۵) Higher education scholarships as a soft power tool: an analysis of its role in the EU and Singapore, EUC Working Paper No. ۲۳.*

۳. *Li, J. (۲۰۱۸). China's Soft Power Strategy in Higher Education, in Conceptualizing Soft Power of Higher Education, Globalization and Universities in China and the World, Springer*

۴. *Meyer, M, Carpes, M, & Knoblich, R. (۲۰۱۴). The Global Politics of Science and Technology: An Introduction. In M Meyer, M Carpes, & R. Knoblich (Eds.), The Global Politics of Science and Technology – Vol. ۱: Concepts from International Relations and Other Disciplines (pp. ۱-۳۵). Springer*